

## خاورمیانه و نظم نوین جهانی

شتاب و عزمی راسخ، تمام جنبه های مسئله فلسطین را با رعایت عدالت برای همه مورد بررسی قرار دهند. آینده نظم نوین جهانی ممکن است به این امر وابسته باشد.

### مقدمه

کنفرانس دو روزه «خاورمیانه و نظم نوین جهانی» در روزهای نهم و دهم سپتامبر ۱۹۹۴ در شارلوتسویل ویرجینیا برگزار شد. در این کنفرانس که به مناسبت بازنشستگی و به پاس قدردانی از خدمات چهل ساله پروفسور روح الله رضضانی ترتیب یافته بود، حدود ۵۰۰ استاد، محقق، سیاستمدار، نویسنده، روزنامه نگار و دانشجو شرکت داشتند. کنفرانس مسائلی چون روند صلح در خاورمیانه، امنیت منطقه ای، مسائل اقتصادی، دینامیسم تغییرات اجتماعی، دموکراتیزه کردن و بالاخره سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال خاورمیانه را مورد بررسی قرار داد. سخنرانان به نحو شایسته ای از مقام علمی و خدمات ارزنده پروفسور رضضانی، بویژه در زمینه امور خاورمیانه، تجلیل کردند. در این کنفرانس، تعدادی از سخنرانان مسائل مربوط به ایران را مورد بررسی قرار دادند. از جمله آنها روند صلح ایران و عراق، وضعیت دانشگاههای ایران و چالش مدرنیزاسیون، دموکراسی مذهبی در ایران و وضعیت زنان در این کشور را مورد توجه قرار دادند.

جدول یک - تقسیم کل جمعیت فلسطینی بر پایهٔ پراورد ۱۹۸۹

کشور	جمعیت	درصد
اردن	۱,۳۵۷,۱۶۷	٪۲۴/۴
• کرانه غربی	۱,۰۴۰,۰۰۰	٪۱۸/۷
اسرائیل	۷۳۰,۶۶۴	٪۱۳/۱
• نوار غزه	۵۹۵,۶۶۶	٪۱۰/۷
• لبنان	۴۵۱,۲۹۷	٪۸/۱
کویت	۳۷۸/۰۰۰	٪۶/۸
• سوریه	۲۸۱,۹۲۳	٪۵/۸
حریستان سعودی	۱۶۹,۳۳۳	٪۳/-
آمریکا	۱۶۰/۰۰۰	٪۲/۴
مصر	۶۷/۰۰۰	٪۱/۴
کشورهای سرروز تعلیم فارسی	۶۲,۲۸۵	٪۱/۱
عراق	۲۸/۴۱۰	٪۰/۵
لبنان	۲۴/۹۲۶	٪۰/۴
دیگر کشورها	۲۲۸,۲۸۱	٪۴/۵
جمع	۵,۵۵۲,۹۹۲	٪۱۰۰

• منطقه عملیاتی مؤسسه کار و املاء سازمان ملل.  
پیش پیش های جمعیتی باید بر اساس افزایش معادل سالانه ۳/۵ درصد در منطقه عملیاتی مؤسسه کار و املاء سازمان ملل انجام گیرد.

جدول ۲ - تعداد آوارگان بیت نام شده از سوی مؤسسه (۱۹۷۰-۱۹۹۱)

کشور	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۱
کویت	۷۷۲/۶۹۲	۳۳۴/۰۳۵	۲۲۸/۶۹۳
کرانه غربی	۳۱۱/۸۱۴	۳۶۷/۹۹۷	۵۱۰/۵۱۶
غزه	۴۳۰/۷۱۳	۱/۱۵۲/۷۸۸	۱/۵۵۶/۰۳۸
دیگر کشورهای عرب	۱/۳۲۵/۲۱۹	۱/۸۳۴/۳۱۸	۲/۵۲۵/۲۷۷
جمع			

پ.پ.ی. عربستان

گروه بررسی و تحقیق مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

همچنین سه سخنران میهمان که مقام سیاسی داشتند، مطالبی را در خصوص مسائل خاورمیانه ارائه کردند. این اشخاص عبارت بودند از: دکتر محمد صباح السالم الصباح، سفیر کویت در واشنگتن، رابرت پلترو، دستیار وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا، و دکتر ایتمار رابینویچ، سفیر اسرائیل در آمریکا. گزیده ای از مباحث مطرحه در این کنفرانس در زیر ارائه می شود.

### الف) روند صلح خاورمیانه

در این جلسه که به ریاست هارولد ساندرز، دستیار سابق وزیر خارجه آمریکا در امور آسیای جنوبی و خاور نزدیک، ترتیب یافت، سه سخنرانی زیر ارائه شد:

#### ۱. روند صلح دو جانبه اعراب و اسرائیل: مورد سوریه

ویلیام کوآنت،<sup>۱</sup> استاد رشته حکومت و امور خارجی در دانشگاه ویرجینیا، سخنان خویش را به روند صلح بین سوریه و اسرائیل اختصاص داد و با اشاره به اهمیت این امر یادآور شد که در این مورد چند سؤال مطرح است: نخست، احتمال بروز تغییرات کیفی چه میزان است؟ دوم، آیا بین سوریه و اسرائیل قرار یا معامله ای در جریان است؟ سوم، نقش آمریکا در این میان چیست؟

در کل، اکنون، این روند به چه شکل جریان دارد؟ کوآنت در پاسخ به سؤالات مطرح شده خاطر نشان ساخت که از ۱۹۷۴ بدین سو مذاکراتی بین سوریه و اسرائیل با کمک آمریکا در جریان بوده و نتایج مفیدی نیز در برداشته است. این گفتگوها طرفین را به اشتراك منافع خود آگاه کرده است. ولی مسئله قابل توجه، زمان جدی شدن روند صلح بین دو کشور است. در این مورد، کوآنت به پاره ای از تغییرات بین المللی از جمله پایان جنگ سرد به عنوان دلیل عمده و مؤثر در نزدیک ساختن دو کشور اشاره کرده و یادآور شد که با خاتمه جنگ سرد حافظ اسد متوجه شد که اهمیت استراتژیک سوریه از بین رفته است. لذا به طور عمده هم خود را مصروف راه سیاسی و دیپلماتیک ساخت، هر چند از مدت‌ها قبل به این امر توجه می نمود. دیگر اینکه روابط مصر و اسرائیل پس از قرارداد کمپ دیوید و غیر قابل برگشت بودن این روابط بر تغییر جهت گیری اسد تاثیر تعیین کننده ای داشته است. بویژه جنگ هشت ساله عراق و ایران و جانبداری سوریه از ایران باعث منزوی شدن این کشور در جهان عرب گردید و اسد بتدریج مجبور شد به آمریکا روی آورد. علت اینکه سوریه به تازگی روند صلح با اسرائیل را مورد توجه قرار داده این است که با روی کار آمدن حزب کارگر در اسرائیل فرصت خوبی برای سوریه

فراهم آمده و حافظ اسد نیز به عنوان یک سیاستمدار ماهر که «در بازی های سیاسی کارتهای خود را به موقع و به طور مؤثر مورد استفاده قرار می دهد»، در صدد برآمده تا از

این فرصت حداکثر استفاده را بکند. از طرفی، اسحاق رابین نیز فردی است با تجربه و مصمم و دولت او دریافته که اگر در شرایط فعلی به صلح با سوریه دست نیابد، ممکن است ظرف چند سال آینده دو کشور درگیر جنگی دیگر شوند. لذا هر دو کسکشور دریافته اند که اکنون مذاکره دوجانبه بسیاری فوری و ضروری است و برای تحقق صلح لازم می باشد که اسرائیل ارتفاعات جولان را به عنوان بخشی از قلمرو سوریه به رسمیت بشناسد و سوریه نیز اسرائیل را مورد شناسایی رسمی قرار دهد.

کواتر در ادامه اظهارات خویش اضافه کرد که از دیگر دلایل توجه دو کشور به پیگیری روند صلح آن است که اگر حافظ اسد و اسحاق رابین به خاطر بیماری و عدم سلامت جسمانی از صحنه خارج شوند، معلوم نیست که جانشینان آنها چه سیاستی در پیش خواهند گرفت. بعلاوه، اگر انتخابات آینده آمریکا و اسرائیل چهره های جدیدی روی کار آورد، سرنوشت روند مذاکرات صلح بین و سوریه و اسرائیل مبهم تر خواهد شد. لذا با عنایت به ملاحظات فوق و سایر عوامل می توان پیش بینی کرد که دو کشور به

خاطر الزاماتی که با آن مواجهه اند، در آینده نزدیک صلح خواهند کرد. آمریکا نیز از تحقق این صلح منتفع خواهد شد.

## ۲. روند صلح ایران و عراق: دیدگاه ایران

جعفر محلاتی، از دانشگاه کلمبیا و نماینده سابق جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، ضمن اشاره به جنگ عراق و ایران در چند دهه اخیر، یادآور شد که جنگ مزبور در سهای متعددی برای پاسخگویی به اوضاع کنونی خاورمیانه ارائه می کند. او همچنین ضمن توجه به مسائل اقتصادی آمریکا، اروپا و آسیای شرقی به امکانات منطقه ای و نیز مفاد اقتصادی منطقه ای و اهمیت آنها پرداخت. بعلاوه، اوضاع خاورمیانه را در مقایسه با دیگر مناطق سوق الجیشی جهان، بویژه به خاطر احیای مجدد پان-عربسم، در روند کنونی صلح اعراب و اسرائیل و نیز خطرات ناشی از مسئله کردها برای ایران، ترکیه و دیگر کشورهای همسایه بسیار خطرناک توصیف کرد.

محلاتی در ادامه سخنان خویش یادآور شد که با توجه به شرایط خطرناک فعلی خاورمیانه لازم است که از جنگ طولانی عراق و ایران درس گرفت. او در بخشی از اظهارات خود به نقش سازمان ملل در حل بحرانهای جهانی و نحوه استفاده درست و

مؤثر از این سازمان پرداخته و متذکر شد که در ۱۹۸۶، با توجه به تحولات جدید که صورت گرفت، ایران از سازمان ملل خواست به طور جدی و مؤثر در جنگ عراق و ایران دخالت کند. در همین راستا، همکاری نزدیک ایران با دفتر کل سازمان ملل باعث شد که قطعنامه این سازمان در خصوص جنگ بین دو کشور در کمتر از ۶ ماه تنظیم شود. در این میان، روابط مستقیم ایران با دفتر دبیر کل و شورای امنیت نقش بسیار مهمی را بازی کرد. همین امر باعث شد که ایران در این جریان به هدفهای مورد نظر خود نایل آید. در واقع، می توان گفت که در وخیم ترین اوضاع، دفتر دبیر کل سازمان ملل متحد به صورت مرکزی برای ترغیب ایران جهت پیگیری جدی روند صلح و تعدیل مواضع خود درآمده بود. سخنران در بخش پایانی سخنرانی خویش نتیجه گرفت در وضعیت کنونی نیز سازمان ملل و دفتر دبیر کل باید همین نقش را در جهت حل و فصل مسائل خاورمیانه ایفا کنند.

### ۳. سازمان ملل متحد و روند مذاکرات صلح

جیانگومینیکویکو،<sup>۲</sup> از مقامات اسبق سازمان ملل متحد، در سخنرانی خود به موضوع کلی تر، یعنی سازمان ملل متحد و روند مذاکرات صلح آمیز در نقاط مختلف

جهان، پرداخت. او با تأکید بر اهمیت نقش سازمان ملل در حل و فصل مسائل و بحرانهای منطقه ای و بین المللی و با اشاره به تجربیات چندین ساله خود در این سازمان خاطر نشان ساخت که با توجه به مشکلات و موانع موجود، ابتدا باید بخش یا بخشهایی از این سازمان را که برای کمک به حل یک بحران و یا درگیری خاص مؤثرتر است، شناسایی نموده و سپس در زمان مناسب از آنها استفاده کرد. برای مثال، شورای امنیت سازمان ملل از جمله نهادهایی است که می تواند در بیشتر بحرانهای بین المللی یا منطقه ای تأثیر عمده ای داشته باشد، ولی متأسفانه در بسیاری موارد، به خاطر مشکلاتی که در روابط فیما بین آمریکا و شورای امنیت و نیز دفتر دبیر کل وجود دارد، نقش این سازمان در کمک به حل مسائل جهانی خلاصه شده است. در دهه ۸۰، سازمان ملل با جدیت سعی داشت تا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به حل مسائل منطقه کمک کند، ولی اعمال نفوذ قدرتهای بزرگ، بخصوص آمریکا، مانع از تحقق این هدف شد. سخنران در بخش دیگری از اظهارات خود یادآور شد با توجه به نقش و نفوذ جهانی آمریکا، برای سازمان ملل مشکل خواهد بود که بدون کمک واشنگتن بتواند کار عمده ای انجام دهد. برای مثال، این سازمان بدون موافقت و همکاری آمریکا

قادر نخواهد بود ترتیبات نظامی مؤثری در منطقه خلیج فارس ایجاد کند. او همچنین با اشاره به روند صلح خاورمیانه و نقش ایران در این خصوص و نیز با تأکید بر اهمیت استراتژیک ایران و روابط این کشور با سایر کشورهای خلیج فارس، خاطر نشان کرد که برای موفقیت روند صلح خاورمیانه لازم است سازمان ملل، ایران را در این مذاکره دخالت دهد. او اضافه کرد که توسعه روابط ایران با کشورهای خلیج فارس وقتی مفید و نتیجه بخش خواهد بود که آمریکا و سازمان ملل نیز به این جریان کمک کنند.

پس از پایان سخنرانی پیکو، سفیر کویت، محمد صباح السالم الصباح، به عنوان سخنران میهمان، مطالبی در خصوص اوضاع منطقه و عمدتاً بحران ناشی از تجاوز عراق به کویت عنوان کرد. او پس از اشاره به جنایات نیروهای حکومت بعث عراق یادآور شد که سربازان عراقی علاوه بر خرابکاری، کشتار زنان و کودکان و غارت ثروت‌های کویت، تعداد زیادی از کویتی‌ها را به گروگان گرفته و در عراق زندانی کرده‌اند و به رغم تلاش‌های دولت کویت و سازمان ملل متحد هنوز تعداد قابل توجهی از مردم این کشور در اسارت عراقی‌ها باقی مانده‌اند. او در ادامه اظهارات خویش گفت که به رغم ویرانی‌هایی که عراقی‌ها در کویت به بار آورده‌اند، با تلاش مسئولان و مردم کویت،

اوضاع کشور، بخصوص از نظر اقتصادی رویه بهبودی یافته و تولید نفت بسیار زیاد شده است. او همچنین به روند دموکراتیزه شدن کویت پرداخت و یادآور شد که مجمع ملی کویت با آرای مردم انتخاب گردیده و همه گروه‌ها، حتی گروه‌های مخالف، نمایندگان در مجلس دارند. او در بخشی از سخنان خود به نقش شورای همکاری خلیج فارس اشاره کرد و گفت که کشورهای عضو این شورا با همکاری‌های متقابل در مسیر پیشرفت و موفقیت طرح‌های اقتصادی پیش می‌روند و کویت نیز در کنار دیگر اعضا، ضمن ترمیم ویرانی‌ها و خسارات ناشی از تجاوز حکومت عراق، برنامه‌های توسعه اقتصادی خود را همچنان تعقیب می‌کند. سفیر کویت در پایان سخنان خود حکومت کنونی عراق را برای امنیت منطقه خطرناک توصیف کرده و یادآور شد که تجاوز صدام به کویت خاتمه‌ناپذیر نیست، بلکه در واقع، شروع یک احساس خطر و هشدار جدی به دیگر کشورهای منطقه است. او در پاسخ به سؤالی مربوط به ایران و مسئله جزایر سه گانه مورد اختلاف این کشور با امارات متحده عربی گفت: «ما به ایران توصیه کرده‌ایم که به جای توسل به زور از طریق مذاکره به حل و فصل این مسئله بپردازد و در برخورد با این مسئله، موضع فعلی خود را اصلاح و تعدیل کند.» او در

پاسخ به سؤال دیگری در خصوص عملیات مشترک نظامی ایران و کویت، ضمن اظهار بی اطلاعی، یادآور شد که ایران در پی تقویت نظامی خود می باشد و کویت نگران قدرت تسلیحاتی ایران است.

### ب) امنیت منطقه ای

در این جلسه که به ریاست هرمن ایلتنز، سفیر سابق آمریکا در مصر، برگزار شد، سه سخنرانی زیر ارائه شد. قبل از شروع سخنرانی ها، رئیس جلسه نخست مطالبی در خصوص مسائل امنیتی خاورمیانه مطرح کرد و گفت: طی یکی از جلسات کمیته روابط خارجی سنا به ریاست سناتور فرانک جرج، راجع به خطرات همیشگی منطقه خاورمیانه از جمله خطر فرقه گرایی، مسائل قومی، مبارزه شخصیتی بین رهبران خاورمیانه و غیره سخن می گفتم، پس از خاتمه اظهاراتم، سناتور جرج گفت همه این مسائل جزئی هستند و تهدید و خطر اصلی از ناحیه شوروی است. ولی جنگ هشت ساله عراق و ایران و تجاوز عراق به کویت و جریانات دیگر نشان داد که خطر اصلی تنها از جانب شوروی متوجه ما نبوده است. همگی شاهدیم که با سقوط شوروی و خاتمه جنگ سرد، اوضاع خاورمیانه نیز دستخوش تغییر گردید و برای ما این مسئله مطرح شد که در شرایط فعلی مسئله اصلی امنیتی و مهم

خاورمیانه کدام است؟ نقش شورای همکاری خلیج فارس تا چه حد مهم است، بخصوص که اکنون دو کشور سوریه و مصر را نیز به آن اضافه کرد. مسئله دیگر اینکه چه کس دیگری ممکن است به خلیج فارس حمله نظامی کند... آیا می شود ایران را به عنوان بزرگترین کشور منطقه نادیده گرفت؟ اینها سؤالاتی است که برای آمریکا و سیاست خارجی این کشور اهمیت بسیار دارد.

### ۱. تعریف امنیت

گری سیک، مشاور سابق شورای امنیت ملی و استاد کنونی دانشگاه کلمبیا، نخست مقام علمی و خدمات آکادمیک پروفیسور روح الله رضائی را مورد ستایش قرار داد. او بیش از پرداختن به بحث اصلی خود به حادثه مرگ مرحوم سید محمد تقی خویی، فرزند مرحوم آیت الله خویی، در اول ژوئیه ۱۹۹۴، اشاره کرد و با استناد به گفته خانواده آن مرحوم، حکومت صدام را مسئول این حادثه دانست. سیک در این مورد یادآور شد که دلیل طرح این مسئله آن است که رسانه های جمعی بندرت به این نکته توجه کرده اند که صدام برای ایجاد امنیت مورد نظر خود سیاست به قتل رساندن مخالفان خویش را به کار گرفته است. ولی بحث اصلی این است که امنیت واقعی از طریق استفاده از نیروی نظامی تامین نمی شود.

شرایط فعلی منطقه با چند سال قبل فرق کرده است. بدیهی است که اوضاع کنونی خاورمیانه با شرایط قبل از انقلاب اسلامی ایران یکسان نیست. هر چند ممکن است ظاهراً چنین به نظر آید که تغییرات عمده ای صورت نگرفته است و مثلاً همان رهبران، همان مقررات و همان نظم سیاسی و روابط اقتصادی کماکان وجود دارد، ولی در عین حال باید به این نکته نیز توجه جدی کرد که در شرایط حاضر، نیروهای جدیدی دست اندرکار ایجاد تغییرات عمده در این منطقه هستند. یکی از نمونه های تحولات تازه در منطقه مسئله خطوط لوله نفت از خلیج فارس به نقاط دیگر از جمله به شرق مدیترانه است. از دیگر تغییرات اساسی در چند سال اخیر در منطقه، جریان تجاوز عراق به کویت و عملیات «توفان صحرا» است که نشان می دهد سقوط امپراتوری شوروی مسئولیت استراتژیک جدیدی بر دوش آمریکا نهاده است. از دیگر تحولات قابل توجه در خلیج فارس این است که به رغم تصور عراق و ایران که خود را قدرتهای منطقه می دانند، عربستان سعودی در موقعیت بهتری قرار دارد؛ زیرا سعودی ها تاکنون میلیاردها دلار صرف تهیه تجهیزات پیشرفته نظامی کرده اند و شورای همکاری خلیج فارس را نیز در تسلط خود دارند. عربستان سعودی به تنهایی ۴۰ موشک دوربرد دارد که از مجموع

موشکهای دوربرد همه کشورهای خلیج فارس بیشتر است. اما این کشور به خاطر جمعیت کوچک خود تهدیدی برای منطقه به حساب نمی آید، هر چند که بزعم بعضی از تحلیل گران عربستان سعودی در آینده بجای عراق یا ایران به صورت قدرت مسلط منطقه درخواهد آمد. در هر حال، مردم منطقه نسبت به سعودی ها ظنین هستند. مسئله دیگر در خصوص تحولات جدید منطقه، مسئله اتمی شدن ایران است. توسعه توان اتمی این کشور به مثابه یک خطر جدی برای امنیت منطقه تلقی می شود. این طور به نظر می رسد که ایرانی ها تصمیم گرفته اند در دایره قدرت نظامی شق اتمی را آزمایش کنند. البته، مقامات ایرانی می گویند که تاسیسات اتمی موجود در این کشور تنها برای تولید برق است. ولی به نظر نمی رسد که چنین باشد؛ چون تاسیسات عظیم اتمی ایران خیلی بیشتر از تولید برق توانایی دارد. نکته قابل توجه این است که ایرانی ها پیشتر از بمب اتمی مسلمانان سخن به میان آورده و گفته اند که یا اسرائیل خلع سلاح اتمی شود یا اینکه کشورهای اسلامی نیز به قدرت اتم مسلح گردند. اما در ورای همه این مطالب یک نکته باید مورد توجه قرار گیرد و آن اینکه تقویت نظامی نمی تواند ضامن امنیت یک کشور باشد. به عنوان مثال، توسعه نظامی ایران در زمان شاه

وضعیتی را به وجود آورد که منجر به سقوط شاه شد و انقلاب اسلامی ایران و تجاوز عراق به خاک ایران پیامدهای آن بود. لذا تحولات چندسال اخیر ثابت کرده که اتکا به نیروی نظامی به عنوان عامل ثبات و امنیت اندیشه ای کاملاً نادرست است.

به طور کلی، باید گفت که در چند سال اخیر تغییرات عمده ای در منطقه رخ داده که در خصوص مسائل امنیتی حائز اهمیت زیادی است:

نخست، منبع اصلی درآمد خلیج فارس دیگر به وسیله اوپک کنترل نمی شود. کاهش قیمت نفت به امنیت اقتصادی کشورهای این حوزه آسیب رسانده است. به عنوان مثال، برنامه های اقتصادی دولت آقای رفسنجانی کاملاً آسیب دیده، گرچه از تابستان امسال وضع کمی بهتر شده است؛

دوم، این روزها دیگر از درآمدهای انبوه خبری نیست و به نظر می رسد کلاً آن دوران به سر آمده باشد. در واقع، خلیج فارس دیگر نمی تواند از درآمد نفتی انبوه برخوردار شود و اعمال نفوذ کند؛

سوم، درآمدهای نفتی در خلیج فارس تنها عامل تعیین کننده نیست؛ زیرا خواسته های سیاسی و عوامل دیگری نیز وارد صحنه شده است؛

چهارم، باید به درك و آگاهی اجتماعی مردم منطقه نیز توجه کرد. درسالهای اخیر

طبقات تحصیل کرده، دولت و اولیای امور را در مورد چگونگی مصرف منابع کشور به زیر سؤال برده اند. این افراد می خواهند بدانند که منابع و امکانات کشور به چه مصرفی می رسد؟

پنجم، مسئله قابل توجه اینکه تحقق خواسته های جدید در این کشورها منوط به آزادی عقیده است.

لذا در شرایط کنونی به جای تاکید بر نیروی نظامی جهت تامین امنیت، لازم است به موارد فوق بیشتر توجه کرد. لازمه عملی شدن تمام ملاحظات مورد بحث وجود برنامه ریزی و مواضع انعطاف پذیری است که در حال حاضر منطقه خلیج فارس دیده نمی شود.

## ۲. علم تولید سلاحهای هسته ای

رابرت گاهین، رئیس اسبق دانشگاه پرینستون و سفیر سابق آمریکا در هندوستان، پس از ذکر مقدمه ای در تجلیل از مقام علمی روح الله رمضانی، بحث خود را در خصوص کنترل سلاح هسته ای به عنوان یک مسئله مهم بین المللی آغاز کرد. او گسترش سلاح اتمی در نقاط مختلف جهان را یک خطر عمده قلمداد کرد. او در بخشی از اظهارات خود خاطر نشان ساخت که تلاش کشورهای چینی و کره شمالی جهت دستیابی به سلاح هسته ای بسیار خطرناک است،



بویژه که این کشور در زمره کشورهای امضا کننده پیمان منع گسترش سلاح هسته ای نیست. به رغم تلاش کارتر در ترغیب این کشور به گفتگو با آمریکا مرگ کیم ایل سونگ، رهبر پیشین کره شمالی، باعث مشکل تر شدن وضع شده است. کشورهای چون قزاقستان، روسیه سفید و اوکراین نیز دارای سلاحهای اتمی هستند، هر چند که همگی موافقت کرده اند سلاحهای مذکور را به روسیه منتقل کنند. نکته قابل توجه اینکه اوکراین پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای را امضا نکرده است.

اما در خصوص خاورمیانه باید گفت که در بین کشورهای این منطقه تنها اسرائیل است که دارای زرادخانه نیرومند اتمی است. عراق، ایران، الجزایر و لیبی نیز در پی دستیابی به سلاحهای هسته ای هستند. از همه نگران کننده تر تلاش ایران برای دستیابی به سلاح اتمی است، بویژه که طرح اتمی شدن این کشور از زمان شاه شروع شده و همچنان پیگیری می شود. طی این مدت، ایران از هر جای ممکن از جمله از کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق و نیز پاکستان کمک گرفته است. شاید تا پایان این دهه ایران قادر به تولید سلاح هسته ای باشد. باید توجه داشت که لیبی و الجزایر و عربستان سعودی عمدتاً در پی خرید سلاحهای اتمی، نه تولید آن، هستند. آنچه آمریکا نسبت به آن

حساسیت دارد مسئله تولید پلوتونیوم و کنترل بر انتقال آن است. هم اکنون، روسیه بیشتر از سایر کشورها موجودی پلوتونیوم دارد. همچنین تعدادی از کشورهای متحد آمریکا، بویژه فرانسه و ژاپن، نیز که به منابع خارجی نیازمندند، به طور مشترک در پی تولید و عرضه پلوتونیوم برای مقاصد صلح جویانه هستند.

یکی از پیامدهای خاتمه جنگ سرد بروز خطر تولید سلاحهای هسته ای است. این امر، احتمال درگیری هسته ای بین برخی کشورها را افزایش داده است. در حال حاضر، درگیری احتمالی هسته ای هند و پاکستان مطرح و نگران کننده است. البته، باید توجه داشت که نگرانی برای امنیت به دلیل احتمال تعرض خارجی انگیزه اصلی گرایش به سوی سلاحهای اتمی است. در عین حال، عامل نگران کننده دیگر احتمال دستیابی تروریستها به سلاحهای هسته ای برای مقاصد خرابکارانه نظیر انفجار مرکز تجارت جهانی است. به هر حال، تردید نمی توان کرد که سلاحهای هسته ای دائماً در حال گسترش بوده و امکان محدود کردن آن نیست. لذا، آمریکا باید علاوه بر مبارزه با تروریسم برنامه جلوگیری از تولید و گسترش سلاحهای هسته ای را نیز رهبری کند.

### ۳. مسابقه تسلیحاتی سلاحهای متعارف:

#### شمار در برابر واقعیت

توماس مک نافر،<sup>۳</sup> از محققان برجسته انستیتوی بروکینگز، بر خلاف سخنان قبلی، کشورهای خاورمیانه، بویژه ایران و عراق را تهدیدی جدی برای امنیت منطقه ندانسته، بیشتر به نکات امیدوار کننده پرداخت. او در بخشی از اظهارات خویش خاطر نشان ساخت که در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس باید در نظر داشت که در کنار مسابقه تسلیحاتی روند صلح نیز در جریان است. بدیهی است که عامل اصلی و محرکه مسابقه تسلیحاتی در منطقه وجود دشمنی عمیق بین برخی از کشورهای منطقه و درگیری بر سر منافع است. عراق هنوز از ادعای مالکیت خود بر کویت دست نکشیده است. البته، این یک مسئله مهم ژئواستراتژیک است. از طرفی، اختلاف کشورهای منطقه بر سر منافع نفتی مطرح است. در این مورد، ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت بزرگ نفتی اوپک بر سر قیمتها و سطح تولید نفت اختلاف دارند. البته، کشورهای منطقه از گذشته نیز درسهایی گرفته اند و احتمالاً عراق دریافته است که حمله به ایران نفعی برای آن نداشته و نخواهد داشت.

از طرفی، وقتی بحث از مسابقه تسلیحاتی می شود باید منبع تامین کننده آن، یعنی پول،

نیز مورد توجه قرار گیرد. تعدادی از کشورهای منطقه خاورمیانه، بجز وجوه مالی، بسیاری از مواد لازم برای مسابقه تسلیحاتی را در اختیار دارند. برای مثال، عراق در شرایط فعلی با مسئله کمبود درآمد روبه روست. ایران نیز همین مشکل را دارد. کاهش قیمت نفت حتی عربستان سعودی را نیز با چنین کمبودی مواجه ساخته است. البته، به نظر نمی رسد قیمت نفت به این زودی ها افزایش یابد.

اما با نگاهی به قدرت نظامی فعلی کشورهای چون عراق و ایران و برخی دیگر از کشورهای منطقه باید متذکر شد که عراق در مقام مقایسه با بعضی از ممالک خلیج فارس هنوز بزرگترین نیروی نظامی را دارد، هر چند که پس از شکست فوریه ۱۹۹۱ در جنگ خلیج فارس روحیه خود را از دست داده است. درست است که این کشور در دهه های ۷۰ و ۸۰ به عنوان یک قدرت بزرگ نظامی مطرح بود، ولی پس از شکست فوریه ۱۹۹۱ از نظر نظامی کاملاً ضعیف شد. لذا هم اکنون نمی تواند برای نیروهای آمریکا در منطقه تهدید کننده باشد. قدرت نظامی این کشور تنها برای سرکوب مردم خود، بویژه شیعیان و کردها، به کار می رود و لذا نباید نگران تهدید خارجی صدام بود.

در مورد قدرت نظامی ایران باید گفت که این کشور با کندی به زرادخانه تسلیحاتی

خود می افزایش دهد. می گویند که ایران سالانه بین ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار صرف تقویت نظامی خود می کند. عده ای نیز بر این باورند که این کشور تنها سالی ۲ میلیارد دلار به این برنامه اختصاص می دهد. ظاهراً با این مبلغ نمی توان آن همه سلاح خریداری کرد. هم اکنون، در نیروی هوایی ایران مجموعه ای از هواپیماهای روسی، چینی و انگلیسی وجود دارد. با این همه، باید گفت که ایران فعلاً یک تهدید جدی محسوب نمی شود. این کشور برای پرداخت هزینه سلاحهای خریداری شده با مشکل مالی روبه رو است. از زمانی که روسها نسبت به دریافت بهای سلاحهای خود از ایران ناامید شده اند، در تحویل سلاح به ایران تعلل می ورزند. از سوی دیگر، بعضی از صاحبانظران تهدید دریایی ایران برای عبور و مرور نفتکشها و بر هم زدن امنیت جریان نفت را مطرح می کنند، ولی ایران خود تجربه کرده است که چگونه در جریان درگیری دریایی در ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ نیروی دریایی آمریکا بسهولت امکانات دریایی ایران را فلج کرد. اما، با این همه، نباید از نظر دور داشت که ایران در حال تقویت تدریجی نظامی خود بوده و تهدید عراق و اسرائیل را انگیزه اصلی آن می داند. البته، علت تقویت تدریجی و کند نیروی نظامی این کشور به خاطر عدم تمایل مقامات ایران به اختصاص دادن بودجه کلان برای این منظور نیست، بلکه به خاطر نداشتن پول کافی است.

نکته قابل توجه دیگر در خصوص تهدید نظامی کشورهای منطقه مسئله تقویت نظامی شورای همکاری خلیج فارس است. کشورهای عضو شورا تا به حال حداقل ۴۰ میلیارد دلار صرف تهیه تجهیزات پیشرفته نظامی کرده اند، هر چند آنها بسادگی گذشته قادر به تهیه سلاحهای مورد نظر خود نیستند؛ زیرا بازار بین المللی اسلحه به فراخی سابق نیست. البته، این به دلیل اعمال نظارت بر خرید و فروش اسلحه پس از خاتمه جنگ سرد است. در این میان، سعودی ها بهترین نیروی هوایی را در منطقه دارند که شامل صدها هواپیماهای پیشرفته، از آواکس گرفته تا جنگنده های اف-۱۵ است. البته، سعودی ها برای توجیه خریدهای کلان نظامی خود تهدید از ناحیه ایران و عراق و دفاع از خود، بدون اتکا به آمریکا، را مطرح می کنند. دلیل دیگر سعودی ها، کمک به احیای کارخانجات نظامی آمریکاست. البته، این پدیده جدیدی است؛ زیرا در خلال جنگ سرد چنین وضعیتی وجود نداشته است. از طرفی، سعودی ها اصلاً به این میزان قدرت هوایی نیاز ندارند.

مک نافر در خاتمه اظهارات خود به اهمیت تشبیت کننده آمریکا در خاورمیانه

اشاره کرده و یادآور شد که آمریکا باید سعی کند نقش مثبتی در این زمینه ایفا نماید؛ زیرا طی ۱۵ سال گذشته نتوانسته است بخوبی ایفای نقش کند. او در پایان به سیاست ناموفق آمریکا در برخورد با عراق و ایران پرداخته و برای نمونه سیاست مهار دو جانبه، بخصوص در قبال ایران، را یک سیاست شکست خورده قلمداد کرد. او خاطر نشان ساخت که در شرایط فعلی هیچگونه امیدی نسبت به اعمال یک نظام مناسب برای تامین ثبات و امنیت خاورمیانه، بویژه برای کنترل سلاح در منطقه، وجود ندارد.

پس از خاتمه اظهارات مک نافر، جلسه بحث و گفتگو برگزار شد. جان ردیک، استاد دانشگاه ویرجینیا، خاطر نشان کرد که برای ایجاد ثبات و امنیت در خاورمیانه لازم است که توسعه قدرت نظامی کشورهای منطقه، بخصوص توسعه برنامه های هسته ای آنها، مهار شود. او در این زمینه یادآور شد که قبل از هر چیز اسرائیل باید زرادخانه هسته ای خود را محدود کند؛ زیرا این کشور در حال حاضر قوی ترین زرادخانه اتمی منطقه را دارد. از طرفی ایران، عراق، لیبی و مصر نیز در صدد دستیابی به این سلاحها هستند. پاکستان نیز یک قدرت هسته ای است، هر چند این امر را انکار می کند. برای تامین امنیت در این منطقه باید کشورهای مربوطه تشویق به امضای پیمان

منع گسترش سلاح هسته ای شوند. قابل ذکر است که در این میان، ایران پیوسته یک سیاست پایدار در قبال این پیمان داشته است. او در خاتمه اضافه کرد که ایران در ۱۹۷۴ خواهان کنترل سلاح اتمی شد. همچنین در ۱۹۹۳ وزارت خارجه ایران همین سیاست را بار دیگر اعلام کرد و خواستار منع تولید سلاح اتمی شد. این خود گویای نوعی پایداری و پیوستگی در سیاست خارجی ایران در خصوص این مسئله است.

در بخش دیگری از بحث، هومن صدری، استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه ریچموند ویرجینیا، یادآور شد که در بررسی مسائل امنیتی منطقه خاورمیانه باید علاوه بر متغیرهای سنتی مثل متغیرهای سیاسی، اقتصادی و نظامی به متغیرهای جدیدی چون متغیرهای روانی و فرهنگی نیز توجه جدی مبذول شود. او افزود که در اوضاع و احوال کنونی برای بسیاری از کشورهای منطقه، بخصوص ایران، بیش از هر چیز تهاجم فرهنگی و خطرات ناشی از برنامه های تلویزیونی ماهواره نظیر «ام. تی. وی» و «بیویس بات هد» مطرح است. در این زمینه، بعضی از مقامات و روزنامه های ایران با صراحت اعلام کرده اند که ضربه ای را که آمریکا از طریق این گونه کانالهای تلویزیونی وارد خواهد ساخت

بسیار مهم تر و کارسازتر از حمله نظامی و اقتصادی است. به عبارت دیگر، با استناد به این گفته، کاری را که آمریکا از طریق حمله نظامی و تجاوز به خاک ایران از طریق صدام نتوانست به انجام رساند و با شکست روبه رو شد، اکنون از این طریق به انجام می‌رساند. اهمیت این مسئله برای ایران بقدری است که بحث در مورد چگونگی مبارزه با این پدیده به صورت یکی از جنجالی‌ترین بحثها در مجلس ایران و در سطح جامعه درآمده است.

#### ۴. توسعه اقتصادی

در این جلسه که به ریاست فرهاد کاظمی، استاد علوم سیاسی دانشگاه نیویورک، تشکیل شد، سه سخنرانی زیر ارائه شد:

#### ۱. اقتصاد تغییر یابنده نفت: کشفهای جدید و محدودیتهای جدید

هوشنگ امیر احمدی، استاد و مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه راتگرز، با اشاره به برخی از تحولات عمده در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰، از جمله جنگ هشت ساله ایران و عراق، جنگ نفتکشها، عملیات توفان صحرا و سقوط شوروی یادآور شد که به رغم این واقعات که تحولات مذکور عمدتاً در حول و حوش غنی‌ترین منابع نفتی جهان رخ داده، اما برخلاف انتظار، تاثیر حوادث

فوق بر جریان صدور و قیمت نفت ناچیز بوده است. از آن زمان تاکنون، قیمت‌های نفت در سطح نازل باقی مانده و شرایط بازار نفت به نفع خریداران تغییر کرده است. با توجه به روند بازار جهانی نفت، شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که مصرف کنندگان و تولیدکنندگان نفت از جمله دولتها و شرکتهای نفتی آینده نامشخصی خواهند داشت. امیراحمدی در ادامه اظهارات خویش به این نکته اشاره کرد که به رغم روند صعودی تقاضا برای نفت، مسئله محدود بودن سرمایه و ظرفیت تولید باعث نامعلوم بودن عرضه نفت در آینده شده و حتی طرحهای تقویتی جاری در زمینه تولید نفت قادر به کاهش شکاف فزاینده بین ذخایر نفتی و ظرفیت تولیدی کشورهای تولیدکننده نفت نیست. این بدان معناست که تولیدکنندگان خاورمیانه ای نفت، بویژه کشورهای خلیج فارس، بیش از گذشته اهمیت می‌یابند. با توجه به این ملاحظات، پیش بینی می‌شود که سازمان کشورهای تولیدکننده نفت، اوپک، با توجه به افزایش تقاضا برای نفت در دهه های آینده نیز همچنان به عنوان رهبر بازار جهانی نفت باقی خواهند ماند.

ولی نکته قابل توجه اینکه کاهش درآمد سرانه نفتی اوپک باعث افزایش مشکل کمبود سرمایه این سازمان شده و توانایی آن را

جهت بسط و افزایش تولید تقلیل می دهد. مجموعه این مسائل حساس در مهم ترین منطقه سیاسی جهان، بازار نفت را همچنان به صورت یک مرکز سیاست زده نگاه خواهد داشت. نباید فراموش کرد که نگرانی نسبت به بازار جهانی نفت نقش عمده ای در «جنگ نفتکشها» و «عملیات توفان» صحرا بازی کرد.

سخنران در خصوص بالا رفتن تقاضا برای نفت در آینده یادآور شد که اتفاق نظر در بین صاحب نظران مسائل نفتی این است که تا ۲۰ سال آینده تقاضا برای نفت به طور متوسط سالانه ۱/۸ درصد افزایش خواهد یافت و در سال ۲۰۱۰ به سطح ۹۳/۹ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. البته، در بخشهای مختلف اقتصاد کشورهای جهان میزان تقاضا برای نفت متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال، تقاضا برای نفت در بخش حمل و نقل افزایش خواهد یافت، حال آنکه طی این مدت مصرف نفت کاهش پیدا خواهد کرد.

به موازات افزایش تقاضا برای نفت، قیمت آن نیز، البته نه در کوتاه مدت افزایش خواهد یافت. در وضعیت فعلی، فشار برای بالا بردن قیمت نفت در کوتاه مدت قابل توجه نخواهد بود؛ زیرا تولیدکنندگان عمده ای چون عربستان سعودی بیشتر نگران سهم خود، نه قیمت آن، در بازار نفت

هستند. ولی در میان مدت، فشار برای بالا بردن قیمت نفت بیشتر خواهد شد؛ زیرا نیاز برای تولید بیشتر نفت نیز رشد خواهد کرد. قیمت‌های نفت به خاطر شکاف زمانی بین افزایش ظرفیت تولید و رشد تقاضا و نیز به خاطر بیشتر شدن توانایی اوپک در کنترل سهمیه اعضای خود و بالاخره به دلیل آسیب پذیری فزاینده نسبت به ضربه ها و قطع تولید در آینده غیر قابل پیش بینی ترقی خواهد کرد. در بلند مدت نیز عواملی چون سرمایه گذاری جدید، بهبود سطح تکنولوژی، توسعه تولید انرژی های جانشین نفت و برخی دیگر از فشارهای محیطی بر سطح قیمت نفت تاثیر تعیین کننده خواهد داشت. البته، تاثیر عوامل فوق را نباید به منزله بی اهمیت شدن نقش بازار نفت در تعیین قیمت‌ها تلقی کرد. امیراحمدی در ادامه اظهارات خویش به نقش رشد اقتصادی در سالهای آینده و تاثیر آن بر تقاضا و قیمت نفت پرداخته و یادآور شد که بنا بر ارزیابی تحلیل گران بازار نفت، طی ۱۰ سال آینده رشد اقتصادی به طور متوسط سالانه بین ۲/۵ تا ۵ درصد خواهد بود که در مقایسه با رشد ۱/۶ درصدی جمعیت حاکی از بیشتر شدن درآمد سرانه در سطح جهانی است و بر تقاضا برای نفت و به طبع بر میزان قیمت آن تاثیر خواهد داشت. از طرفی، طرحهای تولید انرژی های جانشین نفت بر تقاضا و قیمت این ماده

مهم تأثیر خواهد داشت. می گویند که در سال ۲۰۱۰، سهم نفت در بازار انرژی کاهش خواهد یافت، ولی در حدی نخواهد بود که تغییر عمده ای در تقاضا برای نفت ایجاد کند. امیر احمدی اضافه کرد محتمل

ترین عاملی که بر بازارهای نفت در بلند مدت تأثیر خواهد داشت، سیاستهای ترغیب دولتها به کاهش مصرف نفت است. یکی از این سیاستها افزایش تدریجی مالیات بر مصرف نفت است که در سالهای آینده انتظار افزایش آن محتمل به نظر می رسد.

امیر احمدی در ادامه سخنان خود به احتمال بیشتر شدن سرمایه گذاری مشترک بین شرکتهای ملی نفت و شرکتهای خارجی اشاره کرد و گفت و نزوئلا هم اکنون این طرح را تجربه می کند. برخی دیگر از کشورهای عضو اوپک نیز علاقه مند به افزایش سهم سرمایه گذاری خارجی در صنایع نفتی هستند (مانند قطر، الجزایر و شاید ایران). او همچنین به تأثیر ثبات سیاسی و نفوذهای سیاسی بین المللی بر میزان موفقیت در امر توسعه ظرفیت تولید نفت در کشورهای خاورمیانه اشاره کرد و یادآور شد که بیشتر کشورهای تولید کننده نفت باید نگران ثبات سیاسی خود باشند؛ زیرا بدون تردید گرفتار

روند تغییر سیاسی خواهند شد. البته، غرب نیز تلاش خواهد کرد این روند تغییر را کنترل کند؛ زیرا برای غرب، ثبات سیاسی در

کشورهای نفت خیز خلیج فارس بسیار مهم است. از طرفی، در کشورهای چون الجزایر، لیبی، ایران، عراق و اندونزی شرایط سیاسی بسیار حساس و بسیار نامعلوم است.

خلاصه اینکه نفت خلیج فارس در آینده نیز اهمیت استراتژیک خود را حفظ خواهد کرد و کشورهای صنعتی نیز احتمالاً شیوه های لازم برای کنترل جریان نفت و قیمت های آن را به کار خواهند گرفت. لذا سیاستهای مربوط به سیاست گذاری نفت همچنان اهمیتی اساسی در آینده خلیج فارس خواهد داشت و در این میان، کشورهایی چون عربستان سعودی و ایران در برابر سیاستهای نفتی جهانی همچنان آسیب پذیر خواهند ماند. بنابراین، دورنمای بروز جنگ بین ایران و عربستان سعودی در آینده نزدیک بسیار واقعی به نظر می رسد. این مسئله تا حدی بدین خاطر است که هر چند سیاست جدید نفتی ایران مبتنی بر همراهی با عربستان سعودی و آمریکا است. اما تا موقعی که ایران در آمد نفتی خود را به تقویت نیروی نظامی مرتبط می سازد، موجب نگرانی عربستان سعودی و احتمالاً درگیری خواهد شد.

## ۲. استراتژی های ادغام اقتصادی

منطقه ای:

### اکو و شورای همکاری خلیج فارس

ژوزف تونیام، دستیار سابق وزارت خارجه آمریکا، یادآور شد که شورای همکاری خلیج فارس نمونه خوبی از ادغام اقتصادی است. در واقع، شورای مزبور در حال حاضر بیشتر یک سازمان اقتصادی، نه یک گروه سیاسی، است. این سازمان در جریان صلح ساف-اسرائیل نقش مؤثری ایفا کرد. البته، باید توجه داشت که هم گرایی اقتصادی، هماهنگی سیاسی به وجود نمی آورد، بلکه عکس قضیه هم صادق است. از دیگر نکات قابل توجه در این مورد، نقش کشورهای عضو شورا در مواجهه با دیگر کشورهای منطقه است. از جمله اینکه کشورهای عضو این سازمان مایل به سرمایه گذاری در ممالک دیگر هستند و در این میان، نفت عامل مهمی در تعیین میزان سرمایه گذاری است. البته، ذکر این مطلب لازم است که کشورهای مذکور تا به حال نتوانسته اند منابع خصوصی قابل توجهی ایجاد کنند. نکته دیگر اینکه، موقعی که شورای همکاری خلیج فارس ایجاد شد، کشورهای عضو آن با ممالک غیر عضو مثل اردن روابط بیشتری داشتند تا با یکدیگر، لذا رابطه و عمل متقابل بین شورای همکاری خلیج فارس و دیگر کشورهای منطقه

می تواند تا مدتها دوام بیاورد.

### ۳. مسیر کاربردی در روند صلح

دیوید والدنر، استادیار دانشکده حکومت و امور خارجی در دانشگاه ویرجینیا، به مسیر عملی در راه صلح پرداخت. او با اظهار این مطلب که رهیافت کاربردی در راه صلح منجر به ایجاد صلح نمی شود، یادآور شد چنانچه مذاکرات دوجانبه برای ایجاد صلح تداوم نیابد، امکان برقراری صلح وجود نخواهد داشت. در این صورت، بحث از رهیافت کاربردی بی معنا خواهد بود. او افزود مسلماً تحولات بین المللی، از جمله خاتمه جنگ سرد و سقوط شوروی و جنگ خلیج فارس و غیره تأثیر بسزایی در روند اخیر صلح خاورمیانه و روند صلح سوریه و اسرائیل داشته است. در این میان، سیاست خارجی آمریکا را نیز نباید از نظر دور داشت؛ زیرا در ایجاد تغییرات در جو بین المللی مؤثر بوده است. وانگهی سوریه نیز طبق سیاست آمریکا مبنی بر اینکه کشور مزبور باید نقش مهمی در روند صلح اعراب و اسرائیل ایفا کند، به این جریان علاقه نشان داده است. می گویند که یکی از ثمرات ایجاد صلح در خاورمیانه همکاری اقتصادی و در نتیجه به وجود آمدن بازار مشترک اقتصادی در این منطقه خواهد بود. مسلماً وقتی در منطقه صلح برقرار می شود که



دورنمای بهبود وضع اقتصادی مردم امیدوار کننده باشد. لذا آزادی اقتصادی و سیاسی منجر به بالا رفتن امیدواری نسبت به آینده شده و صلح به دنبال خواهد آورد.

والدین در ادامه اظهارات خود نسبت به احتمال ایجاد آزادی سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه ابراز تردید کرد. او همچنین اضافه کرد که برخلاف نظر آن عده از متخصصان که همانند مارکسیستهای کلاسیک اقتصاد را عامل اصلی، زیربنایی و تعیین کننده تحولات سیاسی و فرهنگی می دانند، باید سیاست، نه اقتصاد، را به عنوان عامل اصلی و تعیین کننده در نظر گرفت. به همین دلیل، بدون همکاری سیاسی، همکاری اقتصادی بسیار مشکل خواهد بود. او یادآور شد که اقتصاد آزاد بخودی خود صلح نمی آورد. در خاورمیانه، در شرایط فعلی هیچگونه نظم اقتصادی وجود ندارد و در آینده نزدیک نیز احتمال آن کم است. هم اکنون، خاورمیانه، بجای همکاری اقتصادی به رقابت اقتصادی مشغول بوده و مدت‌هاست که با این مسئله مواجه می باشد. بدیهی است وقتی که کشورهای همجوار روابط خوب سیاسی نداشته باشند و در نگرانی امنیتی به سر برند، هیچ دلیل محکمی برای مشارکت و همکاری اقتصادی و تجاری بین خود نمی بینند.

پس از خاتمه سخنرانی والدین، دکتر رضا

شیخ الاسلامی به ارزیابی مباحث مطرحه پرداخته و ضمن انتقاد از برخی مطالب عرضه شده نکاتی را متذکر گردید. او خاطر نشان ساخت که در بحث توسعه اقتصادی خاورمیانه، گرچه مطالب آموزنده ای ارائه شد، ولی لازم بود به چند نکته توجه شود، بدین صورت که خاورمیانه در روند توسعه اقتصادی با یکسری مسائل جدی روبه روست. از جمله این مسائل فقدان پیوستگی و یکپارچگی منطقه ای است و هر یک از کشورهای منطقه با نظام جهانی سرمایه داری دارای روابط افقی است. برنامه اقتصادی این کشورها در داخل تنظیم نمی شود، بلکه به وسیله قدرتهای اقتصادی سرمایه داری خارجی تعیین می گردد. در واقع، قدرتهای امپریالیستی، عملکرد اقتصادی کشورهای خاورمیانه را جهت می دهند. برای مثال، آمریکا از عربستان سعودی می خواهد که میزان تولید نفت خود را کم یا زیاد کند. به عبارت دیگر، توسعه نیافتگی کشورهای خاورمیانه تحت تاثیر عوامل جهانی به وجود آمده است و یک مسئله صرفاً داخلی نیست و تا زمانی که مداخله قدرتهای خارجی ادامه دارد، عقب ماندگی و توسعه نیافتگی این کشورها نیز تداوم خواهد یافت. خریدهای بی رویه انبوه نظامی در این منطقه ضرورتی نداشته و ندارد متاهی اعمال نفوذ قدرتهای خارجی این وضع را پیش آورده است. برای

نمونه، عربستان سعودی، به رغم جمعیت کوچک خود، تجهیزات انبوه نظامی در اختیار دارد که حتی قادر به استفاده از آنها نیست. علاوه بر این، حکومت‌های این منطقه نیز جنبه موروثی دارند و هیچگونه تفکیکی بین بخش دولتی و خصوصی به صورت نمایان دیده نمی‌شود. نفت که منبع اصلی حیات اقتصادی است به وسیله دولتهای منطقه کنترل می‌شود. نکته دیگر اینکه قریب ۵۰ درصد جمعیت در این کشورها از قشر جوان غیر مولد تشکیل شده است. از طرفی، غیر قابل پیش بینی بودن اوضاع منطقه، مانع از سرمایه‌گذاری اقتصادی در آنجا شده است. گذشته از این، سیاست آمریکا در قبال منطقه باید جدی گرفته شده و بدرستی مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت، خواسته‌های مردم بومی این کشورها را نباید نادیده گرفت.

### اظهارات مقام وزارت خارجه آمریکا به عنوان سخنران میهمان

پس از خاتمه جلسات روز اول کنفرانس، رابرت پلترو، دستیار وزیر خارجه آمریکا، به عنوان سخنران میهمان مطالبی را در خصوص روند صلح خاورمیانه و اوضاع کلی منطقه بیان کرد. او در ۱۹۶۲، به خدمت وزارت خارجه آمریکا درآمد و در کشورهایی چون الجزایر، مراکش، موریتانی، لبنان،

اردن و سوریه و به عنوان سفیر آمریکا در بحرین خدمت کرده است. همچنین طی ۱۹۸۱-۱۹۸۳ مدیر امور شبه جزیره عربستان در وزارت خارجه بوده است. او قبل از پرداختن به بحث اصلی خود، نخست از مقام علمی و خدمات ارزنده پروفیسور روح الله رضانی در زمینه روابط بین الملل، بویژه در مورد خاورمیانه، تجلیل کرد و وی را یک شخصیت بزرگ علمی توصیف نمود که مفاهیم جدید و ارزنده‌ای نظیر Holistic Approach را وارد رشته مطالعات بین الملل کرده است. پلترو سپس به تغییر و تحولات سالهای اخیر و تاثیر تعیین کننده آن به عنوان زمینه ساز جریانات اخیر صلح منطقه خاورمیانه بین اسرائیل و ساف، بین اسرائیل و اردن و بویژه مذاکرات صلح بین سوریه و اسرائیل پرداخت و ابراز امیدواری کرد که در آینده نه چندان دور سوریه و اسرائیل نیز راه حلی برای رفع اختلافات خود یافته، صلح کنند. او ضمن ابراز خوشبینی نسبت به استقرار یک صلح جامع در منطقه یادآور شد که به رغم تمایل کشورهای عرب خاورمیانه به صلح با اسرائیل و همکاری‌ها بعدی سیاسی و اقتصادی، هنوز افراد، گروهها و دولتهایی هستند که با این روند مخالفت می‌ورزند. او به طور تلویحی ایران را مد نظر داشت، هر چند به طور مستقیم نامی از ایران یا کشور

دیگری نبرد. البته، او بعدها در پاسخ به سؤال یکی از حاضران در مورد سیاست دولت کلینتون در قبال جمهوری اسلامی ایران یادآور شد که آمریکا نسبت به حمایت ایران از گروه‌های مخالف صلح اعراب و اسرائیل بشدت اعتراض دارد. پلترو اضافه کرد که دولت کلینتون قصد سرنگونی حکومت ایران را ندارد، چون معتقد است این نظام و رهبرانش بین مردم کشور ریشه عمیقی دارند. ولی دولت آمریکا نسبت به رفتار ایران در قبال همسایگان معترض است. همچنین با تلاش‌های ایران در جهت تهیه سلاح‌های کشتار جمعی کاملاً مخالف است و سیاست‌های ایران در قبال مسئله حقوق بشر را محکوم می‌کند؛ زیرا دولت ایران مردم خود را آزار و شکنجه کرده، اعدام می‌کند.

### دینامیسم تغییر اجتماعی

در این جلسه که به ریاست جیمزبیل، استاد علوم سیاسی و مدیر مرکز مطالعات بین‌المللی کالج ویلیام و مری برگزار شد،<sup>۴</sup> سخنرانی‌های زیر ارائه گردید.

### ۱. دینامیسم اعمال متقابل بین اعراب و یهودیان

خانم هلنا کوپن،<sup>۵</sup> خبرنگار کریستین ساینس مانی‌تور و عضو هیئت تحریریه میدل

ایست ژورنال، پس از اشاره به وضعیت اسفناک فلسطینی‌های ساکن مناطق اشغالی و برخوردهای خشونت‌آمیز نیروهای اسرائیلی با آنها یادآور شد که در بحث پیرامون رفتار متقابل اعراب و اسرائیل باید بین فلسطینی‌ها و دیگر ملت‌های عرب تمایز قائل شد، زیرا فلسطینی‌ها احساس می‌کنند که تنها آنها ضربه خورده و قربانی شده‌اند. از طرفی، برای اعراب روابط متقابل با اسرائیل مطرح است، ولی در عین حال بسیاری از اعراب در قبال مردم فلسطین احساس گناه می‌کنند، زیرا شاهد بوده‌اند که وضعیت فلسطینی‌ها نسبت به سابق بدتر شده و آنها نتوانسته‌اند کمک قابل توجهی به مردم آسیب دیده فلسطین بکنند. نکته دیگر اینکه همه فلسطینی‌های منطقه وضعیت مشابهی ندارند. برخی از آنها به عنوان شهروند اسرائیل در این کشور به سر برده و صدها هزار تن دیگر مدت ۲۷ سال است که در مناطق اشغالی تحت فشار و شکنجه به سر می‌برند. به اعتراف یک مقام دفاعی اسرائیل تاکنون هزاران تن از مردم فلسطین بازداشت شده‌اند.

در مجموع، فلسطینی‌ها خود را در برابر اسرائیل یک اقلیت مظلوم می‌دانند. یهودیان اسرائیل نیز نمی‌توانند وجود فلسطینی‌ها را انکار کنند. اما نکته قابل توجه اینکه از نظر اسرائیلی‌ها، ساکنان مناطق اشغالی در واقع

در سرزمین متعلق به اسرائیل زندگی می‌کنند؛ زیرا نقاط مذکور از نظر تاریخی متعلق به یهودیان بوده و در کتابهای مذهبی آنها از این مناطق با نامهای «جودیا» و «ساماریا» یاد شده است. به تعبیر دیگر، فلسطینی‌های ساکن رود اردن و نوار غزه مالک واقعی آنجا نیستند و تنها در سرزمین

تاریخی اسرائیل زندگی می‌کنند. به طور متقابل، از نظر بعضی اعراب نیز وجود تاریخی اسرائیل در منطقه انکار شده است. به رغم وجود این گونه تصورات و دیدگاههای منفی طرفین نسبت به یکدیگر، لازم است اعراب و فلسطینی‌ها از یک طرف و اسرائیلی‌ها از طرف دیگر، وجود تاریخی یکدیگر را پذیرفته، به رسمیت شناسند. در این بین، وظیفه دولتهای عرب کمک به روند شناسایی اسرائیل است، هر چند این دولتها نمی‌توانند مردم خود را مجبور به دوست داشتن اسرائیلی‌ها کنند. مسلماً تسهیل روند شناسایی حقوق متقابل، بویژه حقوق مردم فلسطین که از ۱۹۴۸ تا به حال متحمل رنجهای فراوان شده‌اند، کار ساده‌ای نیست، ولی غیر ممکن نیز نمی‌باشد. همان طور که در جریان مذاکرات صلح مادرید عملی بودن این روند ثابت شد. در واقع، طرفین بدون شناسایی موجودیت یکدیگر هرگز نخواهند توانست منافع خود را تأمین کنند. در این میان، آنچه بسیار حساس بوده

و باید با احتیاط با آن برخورد کرد، بعد عاطفی روابط متقابل است که احتیاج به زمان بیشتر و تلاش بیشتر دارد. هم‌اکنون، خیلی‌ها در بین فلسطینی‌ها و یهودیان اسرائیلی در جهت برقراری آشتی و صلح تلاش می‌کنند.

## ۲. وضعیت زنان

الیزابت فرنی،<sup>۶</sup> استاد زبان انگلیسی و مطالعات خاورمیانه در دانشگاه آستین تگزاس، طی سخنان خود نخست به وضع زنان جهان سوم پرداخته و یادآور شد که به طور کلی در بسیاری از کشورهای جهان سوم زنان جایگاه شایسته خود را نیافته و عمدتاً مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. همین بی‌توجهی مانع از کمک زنان به برنامه‌های توسعه اقتصادی در این کشورها شده است. مسلماً وضعیت زنان خاورمیانه از بسیاری جهات با زنان سایر کشورهای جهان سوم شباهت دارد. در غرب، راجع به وضعیت زنان خاورمیانه، سلیقه، زیبایی و هنر آنها بحثهای زیادی شده است. ولی آنچه که غربی‌ها بدان توجه چندانی نکرده‌اند این است که زنان خاورمیانه خود می‌نویسند، تدریس می‌کنند، فیلم تهیه می‌کنند و در کنار همه اینها به امور خانه‌داری نیز می‌پردازند. ولی دیدگاه غرب نسبت به زنان این منطقه متأسفانه همانند دید سابق بوده و تغییری

نکرده است.

مذهبی فرق دارد. سؤالی که برای زنان خاورمیانه مطرح می شود این است که آیا زن غربی بدون حجاب نسبت به یک زن محجبه مسلمان خاورمیانه ای از حیث حقوق و احترام اجتماعی در وضعیت بهتری قرار دارد یا خیر؟ البته، بسیاری از زنان مسلمان خاورمیانه خود را زن واقعی می دانند و معتقدند که وضعیت زن مذهبی خاورمیانه خوب تفهیم نشده و مطالب قرآن در مورد آنها به اشتباه تعبیر و تفسیر گردیده است؛ زیرا طبق آنچه در قرآن آمده، زنان موظف به آموزش و تربیت نسل آینده هستند و این مقام و مسئولیت بزرگی است. به هر حال، در خاورمیانه زنان از لحاظ تربیت فرزند و برنامه ریزی خانواده در وضعیت مهم تری نسبت به مردان قرار دارند.

### ۳. دانشگاههای ایران و چالش مدرنیته شدن

دیوید مناشری،<sup>۷</sup> استاد و محقق ارشد مرکز موشه دایان برای مطالعات خاورمیانه و آفریقا در دانشگاه تل آویو، به بررسی جایگاه و اهمیت آموزش در ایران پرداخته و یادآور شد که توجه ایرانیان به اهمیت آموزش و نقش آن در پیشرفت کشور به دوران بسیار دورباز می گردد. او یادآور شد که آموزش، بویژه آموزش بزرگسالان در ایران، به دوران ما قبل اسلام باز می گردد، هر چند اسلام بیش از هر چیز بر نقش آموزش تاکید کرده

از نظر رهبران ملی کشورهای خاورمیانه، موقعیت و جایگاه زن، با توجه به انتظاری که از نقش آنها در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می رود، تعیین می شود. به عبارت دیگر، به نظر آنها زن در جامعه نقش اساسی دارد، زیرا بر اساس معیارهای فرهنگی این منطقه جایگاه زن در مرکز واحد خانواده است و مسئولیت تنظیم و اداره یک خانواده خوب را بر عهده دارد و بدون وجود خانواده خوب و سالم، شالوده جامعه از بین می رود. برای مثال، رهبران سعودی بر اهمیت نقش زن در خانواده تاکید می کنند. در ایران پس از انقلاب نیز رهبران مذهبی کشور از اهمیت نقش زنان در توسعه کشور سخن گفته اند و در حال حاضر نیز تلاشهایی در جهت افزایش نقش زنان در این کشور صورت می گیرد، و بعد از انقلاب نقش زنان در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در ایران دو برابر شده است.

او همچنین اضافه کرد که رهبران مذهبی خاورمیانه (چه مسلمان، یهودی و مسیحی) مقام و جایگاه اجتماعی زن را بزبان مذهب و کلام خدا تعریف می کنند. اگرچه زن از دیدگاه آنها احترام زیادی دارد، ولی در سلسله مراتب اجتماعی و خانوادگی در رتبه پایین تری قرار گرفته است. لذا موقعیت و مقام زن از دید رهبران ملی با دیدگاه رهبران

است. ژاپنی‌ها در قرن نوزدهم به اهمیت نقش آموزش در امر توسعه تاکید ورزیدند. ایران قرن نوزدهم که از حیث پیشرفت اقتصادی در وضع بسیار بدی قرار داشت، علاقه زیادی به فراگیری علوم و فنون غربی نشان داد. ولی در عین حال، سعی داشت از نفوذ فرهنگ غرب دور بماند. در ایران پس از انقلاب نیز همین تلاش صورت می‌گیرد، ولی باید دید چگونه می‌شود از تکنولوژی غرب استفاده کرد، بی‌آنکه تحت نفوذ فرهنگی آن قرار گرفت. در ایران، از قرن نوزدهم به بعد اعزام دانشجو به اروپا متداول بوده و تا بعد از انقلاب اسلامی نیز این امر همچنان ادامه داشته است. اصولاً، ایران معتقد به فراگیری دانش و تکنولوژی غرب است. از پیشگامان روشنفکر قرن نوزدهم ایران می‌توان میرزا ملکم خان را نام برد که از دانشگاه به نام «کارخانه آدم‌سازی» یاد می‌کرد. در این دوره، آموزش مترادف با پیشرفت بود. خلاصه اینکه تحصیل کرده‌های قرن نوزدهم تاثیر شگرفی بر روند سیاسی ایران گذاشتند. این تاثیر حتی بیش از دوران انقلاب اسلامی بود. البته، در قرن نوزدهم مانع اصلی بر سر راه آموزش علوم و فنون مدرن، وجود مکتب‌خانه‌ها بود؛ زیرا در ازای تاسیس یک مدرسه باید یک مکتب‌خانه تعطیل می‌شد و همین مسئله نوعی مقاومت از جانب جناح‌های مذهبی را باعث می‌گردید.

باروی کار آمدن سلسله پهلوی، با اینکه رضا شاه خود فرد تحصیل کرده‌ای نبود، به امر آموزش و بالا بردن سطح تحصیل توجه جدی مبذول می‌داشت، زیرا یکی از آرزوهای او تقویت اندیشه ملی‌گرایی و سکولاریسم بود و به همین دلیل به نقش آموزش برای تحقق هدف فوق توجه زیادی می‌کرد. در همین راستا، او طی ۶ سال تعداد ۶۴۰ دانشجو به خارج اعزام داشت. البته، برنامه‌های سکولاریستی و مدرنیزه کردن او، در مقایسه با تجربه ترکیه، با موفقیت کمتری روبه‌رو بود.

انقلاب آموزشی در ایران در واقع پس از دهه ۶۰ صورت گرفت. ولی سطح موفقیت برنامه‌های آموزشی در همه زمینه‌ها یکسان نبود. به عنوان مثال، یکی از بخش‌های آموزشی که موفقیت چندانی نداشت بخش مربوط به مدرسه‌های فنی و حرفه‌ای بود. دلیلش هم این است که ایرانی‌ها به این گونه مدرسه‌ها اهمیت چندانی نمی‌دادند. در تحقیقی که در همین زمینه به عمل آمده تنها ۷ درصد از محصلان به این گونه مدرسه‌ها علاقه نشان می‌دادند؛ زیرا بیشتر ایرانی‌ها دوست داشتند تکنسین بشوند. از دیگر مشکلات برنامه‌های آموزشی ایران طی این دوره کمبود دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بود، به طوری که در صد کمی از

دیپلمه های ایران امکان رفتن به دانشگاه را داشتند. ولی با این همه، به امر آموزش در ایران توجه زیادی می شده و سطح تحصیل کرده های مقامهای مهم و موقعیتهای حساس کشور به طور نسبی بالا بود تا جایی که به عنوان مثال، در مجلس ایران تعدادی تحصیل کرده های سطح بالا بمراتب بیشتر از مجلس اسرائیل بوده است. با توجه به اهمیت نقش آموزش در امر توسعه و پیشرفت کشور، پس از انقلاب اسلامی نیز روند توسعه برنامه های آموزشی همچنان ادامه یافت و شخص آیت الله خمینی [ره] نیز هیچ مدرسه و دانشگاهی را منحل نکرد. حتی در دانشگاهها و مدرسه های ایران به زبان انگلیسی تدریس می شود. لذا با عنایت به اهمیت نقش آموزش، پیام مهم به دیگر رهبران خاورمیانه این است که بدانند بهترین عامل ایجاد تغییرات در جامعه، بالا بردن سطح آموزش مردم کشور است.

پس از خاتمه اظهارات مناشری، خانم نستاء رضائی، همسر پروفیسور روح الله رضائی، مطالبی در خصوص وضعیت زنان در ایران عرضه کرد. به نظر او پس از انقلاب اسلامی زن ایرانی گرفتار درگیری بین رادیکالها و پراگماتیستها شده است. آنچه که از اوضاع و احوال کنونی برمی آید، ظاهراً پراگماتیستها به رغم فشار رادیکالها موفقیتهایی حاصل کرده اند. او خاطر نشان

ساخت که حکومت ایران متعهد به آموزش زنان است؛ چون بالا بردن سطح آموزشی زنان را کلید توسعه کشور می داند. به همین دلیل، دولت کنونی در زمینه آموزش زنان سرمایه گذاری سنگینی کرده است. هم اکنون، درهای دانشگاهها بر روی زنان باز است. درصد فارغ التحصیلان زن در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بالا رفته است تا جایی که درصد قابل توجهی از دارندگان مدرک دکترا در رشته های مختلف را زنان تشکیل می دهند. به تازگی برای نخستین بار جایزه رشته بیوشیمی در ایران به یک زن متخصص این رشته اعطا شد. همچنین کلاسهایی در نقاط مختلف کشور، مثلاً در شهر کرد، برای آموزش زنان در زمینه های فنون کامپیوتر، حسابداری و غیره دایر شده است. دولت سعی دارد سطح دانش زنان در این زمینه را ارتقا دهد. از طرفی، بسط و گسترش برنامه های کامپیوتری باعث بالا رفتن میزان دسترسی دانشجویان ایرانی، از جمله زنان دانشجوی، به دانش و تکنولوژی از طریق کامپیوتر شده است. اساساً واقعیت جامعه به رهبران ایران آموخته که برای بالا رفتن سطح بازدهی زنان در محیط کار لازم است که آنها آموزش دیده، تحصیلات خود را تکمیل کنند.

دولت فعلی ایران، علاوه بر تلاش برای بالا بردن سطح آموزش زنان تسهیلاتی نیز در

جهت زنان شاغل فراهم ساخته است از جمله مراکزی برای نگهداری کودکان مادران کارگر ایجاد کرده و به والدین کمک هزینه می پردازد. همچنین دولت بانک ویژه ای برای دادن وام به زنان روستایی تاسیس کرده که تاثیر مثبتی داشته است. یکی از حوزه های مهم توسعه فعالیت زنان راه یافتن آنها به دادگاههای مشورتی و فعالیتهای مشابه می باشد. این روند همچنان به نفع زنان ادامه دارد، بخصوص که به تازگی لایحه ای نیز در این مورد به تصویب رسیده است.

علاوه بر موارد فوق، یکی دیگر از برنامه هایی که دولت اسلامی ایران بشدت به اجرای آن متعهد است، برنامه تنظیم خانواده است. برای این کار دولت دست به آموزش زنان و مردان زده و برای کمک به تحقق هدفهای این برنامه مواد و وسایل جلوگیری از زاد و ولد بین خانواده ها توزیع می کند. شایان ذکر است که دولت در این زمینه موفقیتهای چشمگیری به دست آورده، به طوری که درصد رشد جمعیت را از ۲/۷ به ۲/۱ درصد کاهش داده که بسیار مهم می باشد. به تازگی نیز در کنفرانس قاهره ایران به عنوان یکی از ۵ کشوری شناخته شده که در امر کنترل جمعیت موفق بوده است.

### دموکراتیزه کردن

در این جلسه که به ریاست پروفیسور

آگوستوس نورتن،<sup>۸</sup> استاد روابط بین الملل و مدیر برنامه جامعه مدنی خاورمیانه در دانشگاه بوستون، برگزار شد سخنرانیهای زیر ارائه گردید.

### ۱. توجه به سنت در جهان فراملدن: نمونه

#### خاورمیانه

سخنرانی علی بنوعزیزی،<sup>۹</sup> استاد روانشناسی اجتماعی در کالج بوستون، به دلیل عدم حضور وی در کنفرانس به وسیله رئیس جلسه قرائت شد. او خاطر نشان ساخته بود که در خاورمیانه بین مردم و دولت مسائلی وجود دارد تا جایی که توده مردم از حکومتهای خود ناراضی هستند؛ زیرا فساد و اختناق از مشخصه های این حکومتهاست. در این منطقه، درصد جمعیت روبه افزایش است و به همین نسبت درصد بیسوادی، بخصوص بین زنان، نیز سیر صعودی می پیماید. در عین حال، زنان جوامع خاورمیانه روز به روز بیشتر وارد بازار کار می شوند. دولتها با خیل متقاضیان کار نه تنها در بین مردان که در بین زنان مواجه هستند. این خود مشکلی بر مشکلات دولتها افزوده است. لذا مسائل اجتماعی و اقتصادی در کنار مسئله ازدیاد جمعیت در این منطقه حکومتها را در برابر چالش جدی قرار داده است. علاوه بر این مسائل، موضوع مشروعیت حکومتها نیز به طور فزاینده ای به



زیر سؤال می رود.

از طرفی، خاورمیانه خریدار عمده اسلحه در جهان است و مبالغ هنگفتی از ثروتهای ملی صرف خرید اسلحه می شود. در حالی که، دولتهای منطقه در دادن کمکهای اقتصادی به مردم خود کوتاهی می کنند. لذا کمکهای اقتصادی در سطح ناچیزی ارائه می شود. در کل، برنامه های اقتصادی این کشور که عمدتاً تحت نظارت دولتهاست با شکست روبه رو بوده و دولتهای منطقه فشار زیادی را بر این جوامع اعمال می کنند. لذا با عنایت به مشکلات اقتصادی خاورمیانه، ضرورت اصلاحات اقتصادی در این منطقه بوضوح احساس می شود. نظامهای مستبد در این کشورها همبستگی در جوامع خود را تقویت می کنند تا به نتایج معکوسی دست یابند. در واقع، ضعف جوامع مدنی در این منطقه به خاطر وجود نظامهای خودکامه و مستبد است و ربطی به الگوهای تاریخی شکل بندی اجتماعی ندارد.

اما به رغم وجود مسائل فوق، علائمی از بروز تغییرات در جامعه مدنی در این منطقه به چشم می خورد. به عبارت دیگر، جامعه شهری بتدریج جایگاه خود را پیدا می کند که این به نوبه خود راه را برای روند دموکراتیزه کردن این جوامع هموار می سازد. برخلاف سیاستهای اختناق آمیز دولتهای خاورمیانه، برنامه های اسلام گرایان موفقیت آمیز بوده

است. این موفقیت به خاطر نزدیک شدن و کمک آنها به فقیران و توده های جوامع مذکور است. بدیهی است که وجود نظامهای مستبد با روند دموکراتیزه شدن همساز نیست. بعلاوه، بین جامعه شهری و دموکراتیزه شدن رابطه مستقیم وجود دارد. هم اکنون، در کویت و لبنان درجه ای از پیشرفت به سوی جامعه شهری مشاهده می شود. رهبران گروههای اسلامی که بیشتر از طبقات متوسط جوامع خود برخاسته اند بر مسئله اصلاحات تاکید می ورزند و به همین خاطر، توجه توده ها را به حمایت از خود جلب می کنند. در واقع، علت توجه مردم به اسلام گرایان تنها بعد مذهبی ندارد، بلکه به خاطر خدمات یا برنامه های اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مورد تبلیغ آنهاست. برای مثال، در انتخابات اخیر ترکیه حزب رفاه به قدرت رسید. آنچه این حزب برای حفظ حمایت مردم از خود باید انجام دهد این است که به وعده ها و قولهای انتخاباتی خود جامعه عمل پوشاند و این ربطی به مذهبی بودن آن حزب ندارد.

همان گونه که اشاره کردیم، گروههای اسلامی به دلیل ارائه خدمات انسانی و کمکهای اقتصادی به توده های محروم و نیازمند جایگاه وسیعی در بین آنها پیدا کرده اند. برای مثال، وقتی کسی در قاهره بیمار می شود چند راه جلوی پای اوست: یا

باید به بیمارستانی خصوصی مجهز و پرهزینه برود، یا بیمارستانی ارزان و غیر مجهز یا به بیمارستانهای ارزان ولی بسیار خوبی که اسلام گرایان آنها را اداره می کنند. بدیهی است که برای افراد کم درآمد و متوسط شق آخر، بهترین است. به هر حال، خاورمیانه با چند انتخاب رویه روست: حکومتهای مستبد و خودکامه، انقلاب و یا اصلاحات از طریق انتخابات آزاد. به طور کلی، آنچه از شواهد و قراین بر می آید دهه ۹۰ عصر اصلاحات در خاورمیانه است و در سالهای آینده، میزان مشارکت توده ها در این جوامع افزایش خواهد یافت.

## ۲. دموکراسی دینی: نمونه ایران

هوشنگ شهبایی،<sup>۱</sup> با اشاره به جریانات قزوین و تقاضای مردم شهر برای مستقل شدن و بحث مجلس شورای اسلامی ایران در این مورد خاطر نشان ساخت که بررسی این مسئله در مجلس ایران و مخالفت با آن (۱۰۵ رای مخالف در برابر ۱۰۳ رای موافق) نشان می دهد که وضعیت حکومت دینی در ایران با دیگر حکومتهای دینی که در دیگر نقاط جهان به وسیله روحانیان اداره می شود، کاملاً متفاوت است. تعیین اینکه به واقع چه نظام سیاسی در ایران وجود دارد با استانداردهای نظامهای حکومتی شناخته شده مشکل است. برای مثال، با استفاده از

استاندارد حکومتهای مبتنی بر قانون اساسی و مشروطه نمی توان نوع نظام سیاسی کنونی ایران را تعریف کرد. سؤالی که مطرح است اینکه چه نوع حکومتی در ایران وجود دارد. به طور کلی، اگر به مسئله انتخابات و نظام پارلمانی ایران توجه کنیم معلوم خواهد شد که این حالت با نظام توتالیتری و تک حزبی جور در نمی آید. در این مورد که آیا حکومت اسلامی ایران با قوانین مربوطه در جامعه اسلامی یک حکومت توتالیتر هست، جواب منفی است؛ زیرا جامعه ایران یک جامعه بسته نبوده و گروهها و انجمنهای گوناگون در آن فعالیت دارند. اگر یک حزب اسلامی همانند حزب استالینیستی در ایران ایجاد می شد، حتماً حکومت اسلامی به یک نظام توتالیتر تبدیل می شود. حال آنکه در نظام فعلی عناصر دموکراتیک وجود دارند، هر چند که حکومت کاملاً دموکراتیک نیست. در ایران، روند دموکراتیزه شدن به چشم می خورد و در بین روحانیت بحث از بازکردن بیشتر جامعه مطرح است. از طرفی، اگر به اسلام نگاه کنیم می بینیم که این دین گرایش مردمی و توده ای دارد. همچنین وجود بعضی از نهادها و عناصر دموکراتیک در ایران حاکی از آن است که حکومت اسلامی را نمی توان یک مستبد خودکامه خواند؛ زیرا با مشخصه های این گونه نظامها تطبیق نمی کند.

### ۳. دموکراسی و گذار در آسیای مرکزی

اریک رودنشولد، محقق انستیتوی ملی برای امور بین المللی قزاقستان، که به عنوان مشاور ویژه در سازمان بین المللی توسعه آمریکا و در کمیته امنیت و همکاری در پارلمان اروپا خدمت می کند، بحث خود را به روند تدریجی دموکراتیزه شدن منطقه آسیای مرکزی اختصاص داده و خاطر نشان کرد که روند مذکور خوب شناخته نشده و راجع به آن مطالب کمی به رشته تحریر درآمده است. او آسیای مرکزی را یک حوزه بسیار مهم توصیف کرد و یادآور شد که دیدار شخصیت‌های مهم جهانی از جمله یلتسین، ال گور، معاون رئیس جمهوری آمریکا و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و دیگران حاکی از اهمیت این منطقه است. او اضافه کرد که از بین کشورهای این منطقه ازبکستان از حیث نژاد و قومیت منسجم ترین کشور می باشد، حال آنکه در طرف مقابل، تاجیکستان قرار دارد که به خاطر جنگ داخلی دو ساله فاقد انسجام کلی است. او در ادامه اظهارات خویش گفت که مردم بومی منطقه عمدتاً ترک هستند، هر چند نژادهای دیگر از جمله تاجیک نیز در بین آنها وجود دارد. اسلام به عنوان مذهب اصلی در منطقه ریشه تاریخی دارد. یک ریشه آن از ایران مایه گرفته و تقریباً ۱۰۰۰ سال سابقه دارد و ریشه یا شکل دیگر آن از اسلام نوع

ویکتوریایی سربر آورده که نمونه آن در تاتارستان وجود دارد و در واقع برای مقابله با اسلام سنتی و مسلط پدید آمده است. به هر حال، اسلام در هر شکلی در این منطقه نفوذ بسیار دارد.

منبع دیگر، نفوذ سنتی روسیه در منطقه است که سابقه تاریخی دارد و به عصر امپراتوری روسیه بازمی گردد. برای نمونه، قزاقستان در دوران امپراتوری روسیه به عنوان سپر مورد استفاده قرار می گرفت. در حال حاضر نیز تنها ۴۰ درصد جمعیت این کشور قزاق هستند و تعداد زیادی روس در آنجا به سر می برند. قرقیزستان نیز فقط ۵۰ درصد جمعیت بومی دارد و بقیه روس یا از دیگر نژادها هستند. پس از شروع سیاستهای آزادسازی میخائیل گورباچف و فراهم آمدن زمینه برای استقلال جمهوری های شوروی سابق، کشورهای آسیای میانه آخرین جمهوری هایی بودند که به استقلال دست یافتند. نخبگان حاکم بر این کشور عمدتاً تحت تاثیر فرهنگ مدرن پراگماتیستی برخوردار می کنند و معتقد به اصلاحات اقتصادی - اجتماعی هستند. نکته قابل توجه اینکه کشورهای آسیای مرکزی در یک دوره گذار از اقتصاد متمرکز دولتی به اقتصاد آزاد هستند و این روند باعث شده که کشورهای مذکور از یک حالت نسبتاً با ثبات دوره قبل به یک مرحله توأم با بی ثباتی، فقر، بیکاری و

تورم برسند. از طرفی، کشورهای منطقه فعلاً در روند کشورسازی و استعمارزدایی هستند. البته، در حال حاضر، توده‌ها در قدرت سهیم نیستند و آنهایی که ۱۰ سال پیش بر مصادر امور بودند، هنوز هم بر اریکه قدرت تکیه زده‌اند. در واقع، توده‌ها هنوز مجالی برای مشارکت سیاسی و سهیم شدن در قدرت نیافته‌اند. ولی با این همه شواهد حاکی از به جریان افتادن اصلاحات تدریجی بوده و در کل روند دموکراتیزه شدن امیدوار کننده می‌باشند، هر چند برنامه‌های اصلاحات هنوز پیاده نشده است.

پس از خاتمه سخنرانی رودنشولد، ساشادینا،<sup>۱۱</sup> پروفیسور مطالعات مذهبی و مدیر برنامه مطالعات خاورمیانه در دانشگاه ویرجینیا، طی اشاراتی که عمدتاً متوجه اظهارات دکتر شهابی بود به بحث ماکس وبر در مورد نقش فرهنگ پرداخت و خاطر نشان ساخت که ماکس وبر به ما موخته است که در سیاست مقایسه‌ای نمی‌توانیم فرهنگ جامعه و نقش اساسی و تعیین‌کننده آن را نادیده بگیریم. بر همین مبنا، نمی‌توانیم مذهب و نقش فرهنگ مذهبی را در جامعه مسورد بی‌توجهی قرار دهیم چه مذهب را یک ایدئولوژی در نظر بگیریم یا یک روش زندگی به حساب آوریم یا نیاوریم باید بپذیریم که اسلام با فرهنگ فراگیر خود در خاورمیانه دارای نقشی مسلط است. به تعبیر دیگر،

مذهب اسلام در شکل دادن به فرهنگ کلی و فرهنگ سیاسی یا فرهنگ دموکراتیک در این منطقه نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای داشته و دارد.

وقتی راجع به دموکراسی در خاورمیانه صحبت می‌کنیم باید از ایستولوژی جدید صحبت کنیم. همچنین وقتی از دولت اسلامی ایران سخن به میان می‌آوریم و می‌خواهیم ببینیم که دولت ایران چگونه با اقلیتهای غیر مسلمان برخورد می‌کند و چه حق و حقوقی برای آنها قائل است باید متوجه باشیم که دولت ایران یا یک دولت اسلامی در خصوص اقلیتهای سیاست خاصی دارد. بدین معنا که قوانین و مقررات حکومت اسلامی عمدتاً مسلمانان را شامل می‌شود و از غیر مسلمانان انتظار چندانی ندارد، مگر در مورد بعضی از مسائل و مقررات عمومی که به نظم کلی جامعه مربوط می‌شود. بدیهی است که دولت اسلامی برای غیر مسلمانان حقوق خاصی قائل است. به طور خلاصه باید گفت که در بحث پیرامون مسائل خاورمیانه، بخصوص مسائلی چون فرهنگ و سیاست و غیره، ما با مشکل تعریف مفاهیم و ریشه‌یابی آنها مواجه هستیم.

**اظهارات سفیر اسرائیل به عنوان سخنران میهمان**  
در دومین روز کنفرانس، ایتمار

گفتگو بین دو کشور را بی نتیجه توصیف کرده اند. حال آنکه این مرحله مذاکرات اتلاف وقت نبوده و برای ادامه گفتگوهای دور بعد لازم بوده است.

رایبونیچ ضمن اشاره به نقش مثبت آمریکا و تصمیم این کشور در کمک به آغاز مذاکرات بین سوریه و اسرائیل، به موارد مورد درخواست طرفین در این مرحله پرداخته و متذکر شد که اسرائیل قبل از هر چیز خواستار برقراری صلح با سوریه است. حال آنکه درخواست اولیه سوریه برای امضای قرارداد صلح خروج نیسروهای اسرائیل از ارتفاعات جولان است. البته، در اینجا مسئله زمان بسیار مهم است. به نظر اسرائیل حداقل سه سال برای عادی شدن روابط دو کشور وقت لازم است. به طور کلی، برای پیاده کردن مفاد موافقتنامه صلح مراحل لازم است: مرحله عادی سازی روابط و مرحله بررسی مسائل و روشهای اجرای مواد قرارداد صلح. (البته، در اوضاع و احوال فعلی بعضی از دولتمردان سوری مطالبی مطرح می کنند که حاکی از وجود برخی پیچیدگی ها در سیاست داخلی این کشور است، هر چند اسرائیل نیز با پاره ای از مسائل مشابه داخلی دست به گریبان است).

پس از خاتمه اظهارات سفیر اسرائیل، سؤالاتی مطرح شد. یکی از حاضران

رایبونیچ،<sup>۱۲</sup> سفیر اسرائیل در واشنگتن، به عنوان سخنران میهمان مطالبی راجع به اوضاع خاورمیانه، بخصوص روند صلح اعراب و اسرائیل، بیان کرد. او طی سخنانی در خصوص روند صلح اسرائیل و اعراب یادآور شد که دولتهای گذشته اسرائیل، بر خلاف دولت کنونی، حاضر به دادن امتیاز به اعراب برای حصول صلح نبودند و تنها صلح را در ازای صلح طلب می کردند. ولی دولت اسحاق رابین معتقد است که اسرائیل برای به اجرا درآمدن روند صلح لازم است امتیازاتی بدهد. او اضافه کرد که در چند سال اخیر، بویژه در اوت ۱۹۹۳، علائمی از بروز یک تحول جدید در روند صلح از جانب فلسطینی ها، اردن و سوریه مشاهده شد که یکی از ثمرات پیگیری این روند امضای موافقت نامه صلح ساف - اسرائیل در سپتامبر همان سال بود. البته، پر واضح است که صلح با ساف نباید به مشابه پایان جنگ اعراب و اسرائیل تلقی شود، مگر اینکه یک موافقت نامه جامع صلح بین طرفین به امضا برسد. رابینویچ در ادامه اظهارات خود به یکی دیگر از نتایج روند اخیر صلح، یعنی مذاکرات بین اردن و اسرائیل، بویژه بین اسرائیل و سوریه، پرداخته و یادآور شد که بدون تردید مذاکره بین دو کشور یکی دیگر از پیامدهای تحولات اخیر در جریان صلح جامع بین اعراب و اسرائیل است. البته، بعضی ها مرحله اول

خطاب به او گفت: در مورد فعالیتهای جهانی و منطقه ای دولت ایران، اسرائیل چگونه عمل می کند؟ رابینویچ در پاسخ این سؤال گفت: «مسئله دولت اسرائیل در این مورد گوش به زنگ است و اقدامات احتیاط آمیز و پیشگیرانه انجام می دهد. ما می دانیم که دولت اسلامی ایران با روند صلح اعراب و اسرائیل مخالف است و به گروههای دیگری که مخالف با این صلح هستند کمک می کند. پرواضح است که حزب الله لبنان و حماس تحت حمایت ایران قرار دارند. می دانیم که در چند سال اخیر دولت ایران در تعدادی از خرابکاری ها علیه منافع اسرائیل دست داشته و حتی در جریان انفجار اخیر در مرکز یهودیان در بوئنوس آیرس نیز ایران متهم شده است، ولی اسرائیل در حال حاضر مدرکی در این مورد در دست ندارد.»

### آمریکا، خاورمیانه و نظم نو جهانی

در این جلسه که به ریاست پرفسور جان نورتون مور، استاد حقوق و مدیر مرکز حقوق امنیت ملی در دانشگاه ویرجینیا، برگزار شد، سخنرانی های زیر ارائه شد.

#### ۱. روندهایی در سیاست خارجی آمریکا

دیوید مک،<sup>۱۳</sup> مشاور امور بین الملل و رئیس بخش سیاست امنیت ملی کالج جنگ، با اشاره به اهمیت امنیت اسرائیل برای آمریکا

و تأثیر انقلاب اسلامی ایران و نیز خاتمه جنگ سرد بر سیاست آمریکا در قبال خاورمیانه خاطر نشان ساخت که دولت جدید آمریکا روش جدیدی در قبال منطقه مذکور اتخاذ کرده است، ولی به هر حال، چه برای دولت کنونی و چه برای دولتهای قبلی آمریکا، مسئله امنیت اسرائیل از زمان تاسیس پیوسته مورد توجه ایالات متحده آمریکا بوده است. خاتمه جنگ سرد باعث بروز وضعیت جدیدی شد. در چنین وضعیتی، زمینه مناسب برای شروع مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل فراهم شد. در خصوص روند صلح خاورمیانه آمریکا علاقه مند به صلحی جامع است.

او در بخشی از سخنان خود به تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر روند سیاست گذاری آمریکا در قبال خاورمیانه پرداخت و یادآور شد که انقلاب اسلامی ایران سبب گردید که آمریکا کشورهای عربی را ترغیب کند که فعالیت خود را در حل مسئله اعراب و اسرائیل متمرکز نمایند. تجاوز عراق به کویت نیز زمینه مساعدتری برای سیاست فوق فراهم ساخت. جرج بوش نیز با تمرکز بر مسئله اعراب و اسرائیل تلاش زیادی برای تشویق طرفین به کار گرفت تا یک صلح جامع در خاورمیانه استقرار یابد.

از طرفی، سقوط اتحاد جماهیر شوروی

و ظهور کشورهای تازه استقلال یافته در آسیای مرکزی باعث مشکل تر شدن سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه و کل منطقه شد. مسائل دیگری که آمریکا با آن روبه روست یکی کنترل قدرت نظامی عراق و دیگری مسئله نظارت بر سلاحهای پاکستان، کره شمالی و ایران است. دولت کلیتون برای جلوگیری از تعارض ایران به همسایگان و علیه صلح اعراب و اسرائیل، سیاست مهار دوجانبه را به کار گرفته است که البته در مورد عراق نیز کاربرد دارد. دولت آمریکا عمدتاً نگران سیاست خارجی حکومت ایران بوده و بارها تلاش کرده است به نحوی با دولت این کشور مذاکره کند، ولی ایران حاضر به این کار نشده است. سیاست کنونی آمریکا در قبال عراق نیز مبتنی بر سیاست مهار دوجانبه است. این در حالی است که محافل دیپلماتیک عرب به طور مؤکد از آمریکا می خواهند که شدت تحریم اقتصادی علیه عراق را کاهش دهد. همان گونه که اشاره کردیم، سیاست دولت آمریکا در قبال روند صلح خاورمیانه مبتنی بر تشویق و ترغیب دولتهای عرب به حمایت از موافقت نامه صلح ساف - اسرائیل است. در اینجا، لازم به یادآوری است که آمریکا موضع مشخصی در قبال اسلام و مسلمانان منطقه دارد. در واقع، موضعگیری آمریکا در برابر اسلام بنیادگرا و یا مسلمانان بنیادگرا و اسلام گرایان

## ۲. شبه جزیره عربستان و امنیت خلیج فارس

### پس از عملیات توفان صحرا

ناتانیل هاول،<sup>۱۴</sup> سفیر سابق آمریکا در کویت و سرپرست برنامه شبه جزیره عربستان و خلیج فارس در دانشگاه ویرجینیا، با اشاره به سیاستهای تجاوزکارانه عراق یادآور شد که عراق در محاسبات خود برای حمله به کویت مرتکب همان اشتباهی شد که در مورد حمله به ایران انجام داد. عملیات توفان صحرا واکنشی شدید و ضربتی علیه تجاوز صدام بود. این عملیات نتایج مثبتی برای خلیج فارس به ارمغان آورد. تحولات اخیر، خاتمه جنگ سرد و سقوط اتحاد شوروی، موقعیتی را ایجاد کرده که با توجه به آن آمریکا در آینده در خلیج فارس و خاورمیانه نقش ایجادکننده ثبات را ایفا خواهد کرد. به عبارت دیگر، اضمحلال امپراتوری شوروی

و ظهور کشورهای تازه استقلال یافته در شمال ایران، باعث به خطر افتادن منافع آمریکا در خلیج فارس شده است. رفع مشکلات امنیتی این کشورها نیاز به یک تغییر زیربنایی دارد. در واقع، چالش عمده آمریکا این است که امنیت منطقه خلیج فارس را تامین کند؛ زیرا در میان کشورهای منطقه روابط دولتها آن طوری که باید و شاید وجود ندارد. بعلاوه، از یک سازو کار امنیتی نیز خبری نیست. به عبارت دیگر، تامین امنیت خلیج فارس بدون آمریکا ممکن نیست. یکی از کارهای مهمی که آمریکا در زمینه تامین امنیت در منطقه می تواند انجام دهد این است که کشورهای کوچک منطقه را نسبت به حمایت آمریکا از خود مطمئن سازد. البته، وجود سازمانی مثل شورای همکاری خلیج فارس به تنهایی قادر به تامین امنیت نیست. بهتر است کشورهایی چون عراق و ایران نیز در شورای مذکور وارد شوند تا به طور تجربی معلوم گردد که شورای همکاری خلیج فارس تا چه حد در تامین امنیت مؤثر خواهد بود.

#### یادداشت ها:

۱. ویلیام کوآنت، محقق انستیتوی پروکینگز در زمینه مطالعات سیاست خارجی، و در خلال ۱۹۷۲-۱۹۷۳ و ۱۹۷۷-۱۹۷۹ در شورای امنیت ملی آمریکا خدمت کرده و در جریان مذاکرات صلح کمپ دیوید، بین مصر و اسرائیل مشارکت فعال داشته است. کوآنت تاکنون

کتابهای زیادی در زمینه درگیری و صلح اعراب و اسرائیل و نیز دیپلماسی و سیاست خارجی آمریکا در قبال خاورمیانه به رشته تحریر درآورده است.

۲. جیاندو منیکو پیکو از ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۲ در سازمان ملل مشغول خدمت بود. آخرین مقام او دستیاری دبیر کل سازمان ملل در امور سیاسی بود. او در حال حاضر نیز رئیس اجرایی شرکت جی. دی. پی است.

۳. توماس مک نافر در عین حال در دانشگاه مطالعات بین المللی دانشگاه جان هابکینز به طور منظم تدریس می کند و رئیس هیئت مشورتی «طرح بودجه دفاعی» و عضو هیئت «علوم و تکنولوژی ارتش» در آکادمی ملی علوم است. او همچنین تا به حال چند کتاب تألیف نموده است. از جمله این کتابها می توان به «اسلحه و نفت، استراتژی نظامی آمریکا و خلیج فارس»، «سلاحهای جدید و سیاستهای کهنه، سازمانهای نظامی و نحوه تسلیح اشاره کرد».

۴. جیمز بیل به عنوان یکی از ایرانشناسان برجسته تاکنون شش کتاب درباره ایران و خاورمیانه به رشته تحریر درآورده و کتاب معروف او تحت عنوان شیر و عقاب: تراژدی روابط ایران و آمریکا برنده جایزه شده است. او علاوه بر ایران در تمام کشورهای خلیج فارس و ۲۰ کشور از ۲۳ کشور خاورمیانه تحقیق و در بیش از ۸۰ دانشگاه آمریکا و چندین کشور جهان سخنرانی های متعددی عرضه کرده و در آمریکا به عنوان یکسری از برجسته ترین متخصصان خاورمیانه و مسائل ایران اشتها یافته است.

۵. هلنا کوپن با زمینه تحصیلات در رشته های فلسفه، سیاست و اقتصاد علاوه بر نوشتن تعداد زیادی مقاله در روزنامه ها سه کتاب در مورد سازمان ساف، لبنان و جنگ اسرائیل و سوریه به نگارش درآورده و در ضمن بزبانهای عربی و فرانسه تسلط دارد. او همسر دکتر ویلیام کوآنت است.

۶. الیزابت فرنی مدت ۳۰ سال مشغول مطالعه و تحقیق پیرامون وضعیت زنان خاورمیانه بوده و تاکنون مقالات، فیلمها و کتب متعددی در این مورد تهیه کرده و نوشته است. از جمله آثار وی می توان از کتابهایی چون میهمان شیخ، زنان مسلمان خاورمیانه سخن می گویند، جهان عرب: برخوردهای شخصی، و کتاب مبارزه برای صلح: اسرائیلی ها و فلسطینی ها نام برد.

۷. دیوید مناشری آثار زیادی در خصوص اسلام و ایران منتشر کرده است. از جمله می توان به کتابهای اخیر که شامل بنیادگرایی اسلامی چالشی به ثبات منطقه ای و کتاب آموزش و ساختار ایران مدرن می باشد، اشاره کرد.

۸. آگوستوس تورن کتاب و مقالات متعددی در خصوص خاورمیانه منتشر کرده که کتابهای امل و شیعه و ارتباطهای سیاسی در جهان عرب در زمره آثار او قرار دارد.

۹. علی بنو عزیزی علاوه بر تدریس در کالج مذکور یکی از محققان مرکز مطالعات بین المللی در ام. آی. تی است. او تاکنون کتاب و مقالات زیادی در مورد سیاست و فرهنگ در خاورمیانه و جنوب غربی آسیا منتشر کرده است. آثار اخیر او شامل کتابهای دولت، مذهب و سیاستهای مربوط به قومیتها در افغانستان،



ایران و پاکستان، سیاست تغییر شکل اجتماعی، ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و دریاره سیاست و فرهنگ است.

۱۰. هوشنگ شهبایی در سال ۱۹۸۶ از دانشگاه ییل در رشته علوم سیاسی به اخذ درجه دکتری نایل آمده و تا ۱۹۹۴ در دانشکده حکومت در دانشگاه هاروارد تدریس کرده و چند مقاله و کتاب منتشر کرده است. کتاب اخیر او تحت عنوان سیاست در ایران و مدرنیسم مذهبی: جنبش آزادیبخش ایران در دوران شاه و آیت الله خمینی ترجمه است. او هم اکنون، در حال نوشتن کتاب جدیدی در مورد سیاستهای فرهنگی در ایران قرن بیستم است.

۱۱. ساشادینا ضمن آشنایی با زبانهای مختلف آثار زیادی در زمینه اسلام و شیعه منتشر کرده که از نمونه های آنها می توان از کتاب انتظار اسلامی: ایده مهدی در شیعه دوازده امامی و کتاب حاکم عادل در تشیع دوازده امامی نام برد. او در حال حاضر، در زمینه پایه نظری حقوق اسلامی، بنیادگرایی اسلامی و اخلاق طب اسلامی تحقیق می کند.

۱۲. ایتمار رابینویچ در اوت ۱۹۹۲ ریاست هیئت اسرائیلی برای مذاکره با سوریه را عهده دار بود. او در خلال

۶۹-۱۹۶۳ به مدت شش سال در وزارت دفاع اسرائیل خدمت کرده است. همچنین قبلاً مدیر مرکز دایان برای مطالعات خاورمیانه بوده و در ضمن استاد تاریخ در دانشگاه تل آویو بوده است. در دهه ۸۰، به عنوان مشاور کمیته خارجی و امور دفاعی اسرائیل خدمت کرده است. او عضو شورای مطبوعاتی اسرائیل نیز هست.

۱۳. دیوید مک از ۱۹۶۵ در سرویس خارجی وزارت خارجه آمریکا فعالیت داشته است. در خلال ۹۳-۱۹۹۰، معاون دستیار وزارت خارجه و بین ۸۹-۱۹۸۶ سفیر آمریکا در امارات عربی متحده و در فاصله ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ سرپرست اداره امور لبنان، سوریه، اردن و عراق در وزارت خارجه آمریکا بوده است.

۱۴. ناتانیل هاول پیشتر در سفارت آمریکا در الجزایر خدمت کرده و مدتی نیز سرپرستی اداره امور عراق، اردن، لبنان و سوریه در وزارت خارجه آمریکا را به عهده داشته است.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی